

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



تحسین جنایات جنگی به جای دورنمای صلح

میشل شهاده: سخنرانی ترامپ در مقابل کنست اسرائیل افشاگرده که «فرآیند صلح» واشنگتن دقیقاً به چه معناست: صلح بدون برابری، همزیستی بدون استقلال و سکوت به جای عدالت. این سخنرانی یک رئیس‌جمهور آمریکا بود که برای محبوب‌ترین رژیم پادگانی اش سخنرانی می‌کرد و ساخت «خاورمیانه جدید» روی مخروبه‌های غزه و گورهای کودکانش را جشن می‌گرفت. با این حال خاورمیانه جدید فراتر از یک شعار است. این عبارت یک پیام رمزی است که مخاطب‌های متعددی دارد. برای جهان عرب اظهارات ترامپ به معنای مطالبه بازآرایی نظم خاورمیانه تحت نظارت ایالات متحده و تحت مدیریت اسرائیل است. در چشم‌انداز ترامپ کشورهای عربی در همبستگی با فلسطین شناخته‌نی می‌شوند، بلکه در همکاری امنیتی و وابستگی به واشنگتن و عادی‌سازی با اسرائیل تعریف می‌شوند. برای ایران هم پیام به همین اندازه روشن بود: پنجره توافق هنوز باز است اما صرفاً با شرایط تحمیلی آمریکا. ورود مجدد به اقتصاد جهانی تنها به قیمت عقب‌نشینی و رها کردن محور مقاومت که چالشی در مقابل سلطه آمریکا و اسرائیل است رخ خواهد داد. برای چین و روسیه، ورود ترامپ به قدس به معنای علامت زدن سرزمین بود و به این معنا بود که آمریکا هنوز خاورمیانه را تحت قیمومیت خود می‌داند. معنایش این بود که مسیرهای انرژی، آب‌راه‌ها و توافقی‌های بازسازی تحت کنترل غرب باقی خواهد ماند. سخنرانی او نه تنها وعده به اسرائیل، بلکه هشدار به مسکو و چین برای دور ماندن از حوزه نفوذ واشنگتن بود. همین پیام در اجلاس شرم‌الشیخ مصر هم تکرار شد. مهمانان این نشست نشان می‌داد که هدف آن صلح نیست، بلکه ایجاد ائتلاف جهانی برای حفظ اقتدار آمریکا است. این نشست افتتاحیه یک معماری جدید کنترل بود که برای حفظ منافع امپریالیستی آمریکا و مقابله با قدرت گرفتن چین طراحی شده بود. سخنرانی کنست و اجلاس شرم‌الشیخ دو صحنه از یک فیلم بودند که قرار بود سلطه آمریکا را در جهانی نشان دهد که به شکل روزافزونی در مقابل واشنگتن مقاومت می‌کند. اما تاریخ به ندرت آنجا که امپراتورها می‌خواهند پایان می‌پذیرد. در رسانه‌های عربی این سخنرانی نمایشی از تکبر آمریکا پس از دوسال تأمین مالی و تسلیحاتی نسل‌کشی در غزه تلقی شد. ستون‌نویسان به اشارات مذهبی ترامپ برای توجیه خشونت نسل‌کشی اسرائیل در غزه و تلاش‌های گسترده‌تر او برای تقویت نفوذ اسرائیل، بی‌اثر کردن مقاومت فلسطینی و تسریع عادی‌سازی اشاره کردند. علاوه بر این لاف‌زنی‌های ترامپ در خصوص سلاح‌های آمریکایی به عنوان شاهدهی بر این تلقی شد که آمریکا قصد دارد صلح را از طریق زور غالب کند. در غرب و به‌ویژه در آمریکا، برخی مسائل تغییر کرده‌است. تصاویر رنج و انسانیت‌زدایی از فلسطینیان که در رسانه‌های غربی منتشر شد، دستاوردهای دهه‌ها پروپاگاندا را از بین برد. نظرسنجی‌هایی به شکل روزافزونی نمایانگر تغییر گسترده در دیدگاه شهروندان آمریکان نسبت به اسرائیل هستند. کلمه فلسطین حالا در سراسر شهرها و پردیس‌های دانشگاهی آمریکا با شجاعتی که در نسل‌های متوالی دیده نشده بود، به کار می‌رود. از دانشجو و هنرمند تا روحانی و کارگر، تعداد بسیار بیشتری از شهروندان آنچه را که دولت آمریکا تکذیب می‌کند، به رسمیت می‌شناسند: آپارتاید را نمی‌توان به جای دموکراسی غالب کرد و اشغالگری را نمی‌توان در قالب دفاع مشروع جازد. نمایش سلطه‌گری ترامپ، تنها باعث عمیق‌تر شدن این ادراک در میان شهروندان شد. هر بار که او کارزار امحای فلسطین توسط اسرائیل را با عنوان پیروزی یاد کرد، باعث شد که دنیا یک بار دیگر با آنچه نابود شده است و هنوز محو نشده است مواجه شود. تکبر او به شاهد ما و بی‌تفاوتی اش به شعار ما تبدیل شد. جنبش هوادار فلسطین در غرب همچنان با سرکوب و ناسازمواجه است، اما آنچه به دست آورده است دیگر به عقب بر نمی‌گردد: مشروعیت، دیده شدن و بعد از دو سال پخش مستقیم نسل‌کشی، نسلی که دیگر نمی‌تواند چشم بردارد. سخنرانی کنست به عنوان آنچه عیان کرد در یادها خواهد ماند: لحظه‌ای که زبان صلح، پرده از زبان قدرت برداشت. از خاکستر غزه، اردوگاه‌های لبنان و تبعید تا شب‌آگو و لندن، صدای ما باقی می‌ماند. صدای ما حقیقتی را عیان می‌کند که هیچ دولتی نمی‌تواند غیرقانونی اعلام کند، هیچ پارلمانی نمی‌تواند خاموش کند و هیچ تبلیغاتی نمی‌تواند سرکوب کند. ما می‌مانیم، ما حرف می‌زنیم و تاریخ (تاریخ واقعی) با ما راهپیمایی می‌کند.



عکس: AP

دعوای بی‌حاصل

بررسی اظهارات سرگئی لاوروف درباره اسنپ‌بک و مواجهه او با محمدجواد ظریف

لاوروف در خصوص تعجب مسکو از پذیرش مکانیسم اسنپ‌بک از سوی مذاکره‌کنندگان ایران سخن می‌گفت، تصریح کرد: «در جریان مذاکرات اتمی آقای لاوروف و فرانسوی‌ها پیشنهادهای در مورد وضعیت قطعنامه‌های گذشته شورای امنیت علیه ایران دادند که خیلی بد بود و ما تلاش زیادی کردیم تا آن پیشنهاد را کنار بگذاریم.... حالا می‌گویند ظریف رفته این کار را کرده، البته من تا الان ملاحظه کردم و چیزی نگفتم.» پیش از این لاوروف در یک نشست خبری در جمع خبرنگاران عرب در مسکو

سیاست خارجی جمهوری اسلامی را فقدان توازن در روابط خارجی توصیف می‌کنند، بگومگوی غیرمستقیم محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران و سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه بار دیگر بر آتش دعوای داخلی میان سیاست‌تکیه به شرق و توافق با غرب دمیده‌است. محمدجواد ظریف، اخیراً در یک سخنرانی خود به تندی به سیاست‌های روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران حمله کرده‌است. ظریف که در پاسخ به اظهارات تازه منتشرشده از سوی سرگئی

نگاه
هم‌میهن

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

در شرایطی که کارشناسان سیاست خارجی و دیپلمات‌های پیشکسوت ایران به کرات در گفت‌وگوها و بیانیه‌های خود خواستار بازگشت توازن به سیاست خارجی کشور می‌شوند و یکی از چالش‌های اساسی

اسنپ‌بک: انتخاب بین گزینه بد و گزینه بدتر

مذاکره‌کنندگان ایرانی در برجام، ما پیش از این هم از سرگئی لاوروف شنیده‌ایم. برای مثال او در گذشته مدعی شده بود که استمرار تحریم‌های تسلیحاتی تا ۵ سال پس از اجرای برجام، مسئله‌ای بود که روسیه با آن مخالف بود و طرف ایران آن را پذیرفت. اما آقای لاوروف آنجا هم نیمه‌ای از واقعیت را پنهان می‌کند. روسیه برای این با استمرار تحریم‌های تسلیحاتی مخالف بود که تصور می‌کرد رفع تحریم‌های تسلیحاتی ایران می‌تواند منافع مالی برای روسیه داشته باشد، اما در برابر این واقعیت را نیز پنهان می‌کند که کل توافق برجام وابسته به تعیین تکلیف این مسئله بوده‌است. اگر تحریم‌های تسلیحاتی تعیین تکلیف نمی‌شد، اصلاً توافقی برای رفع تحریم‌ها وجود نداشت که سرگئی لاوروف به آن اعتراض کند. در عین حال موضوع تعیین تکلیف تحریم‌های تسلیحاتی، جزئی از خطوط قرمز تعیین شده برای مذاکره‌کنندگان در برجام نبود. مسئله غنی‌سازی برای مذاکره‌کنندگان ایرانی خط قرمز بود. در برابر برای آمریکایی‌ها هم اختیار بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد خط قرمز تلقی می‌شد. امروز که به مذاکرات برجام نگاه می‌کنیم، عده‌ای ممکن است تصور کنند که مکانیسم اسنپ‌بک خطا یا اشتباه مذاکره‌کنندگان ایرانی بوده‌است اما سوال اصلی این است که بدون در نظر گرفتن این مکانیسم آیا اساساً توافقی ممکن بود یا نه؟ در مذاکرات برجام ایران بین اینکه اسنپ‌بک را بپذیرد یا اینکه غنی‌سازی اورانیوم را کاملاً کنار بگذارد مخیر به انتخاب بود. ایران در این مذاکرات، بدر به بدتر ترجیح داده‌است. دلیل اصلی اصرار بر اسنپ‌بک این بود که طرف مقابل به ایران بی‌اعتماد بود و تصور می‌کرد که ایران ممکن است بلافاصله پس از رفع تحریم‌ها تعهدات خود را در چارچوب توافق کنار بگذارد. روند وقایع پس از توافق برجام، بر خلاف انتظار مذاکره‌کنندگان بیش رفت.

سوال این است که چرا آقای لاوروف این مسائل را به طور کل

تکلیف قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت پیشنهاد داده بودند این بود که عملاً هر ۶ ماه یکبار از سال ۱۳۹۴ به شورای امنیت سازمان ملل متحد مراجعه می‌کردیم و رای‌گیری جدیدی انجام می‌شد؛ قطعنامه‌ای برای تعلیق تحریم‌های این قطعنامه صادر می‌شد. نسبت به مکانیسمی که در برجام پیش‌بینی شد، طرح روسیه به مراتب کار ایران را دشوارتر می‌کرد و احتمالاً قطعنامه‌ها خیلی زودتر از این ۱۰ سال برگشته بودند. با طرح سرگئی لاوروف، ایران مجبور بود که از سال ۱۳۹۴ هر ۶ ماه یکبار رای مثبت آمریکا و دو کشور اروپایی را به دست بیاورد. تردیدی وجود ندارد که طرح پیشنهادی روسیه بسیار به ضرر ایران بود. سرگئی لاوروف در اظهارات خودش در مورد تعجب از پذیرش اسنپ‌بک توسط ایران، فقط نیمی از حقیقت را بیان می‌کند و نیم دیگر حقیقت که طرح خودش بود را اصلاً مطرح نمی‌کند. انتقادی که محمدجواد ظریف مطرح می‌کند هم نسبت به همین رفتارهای روسیه است. پیشنهاد لاوروف برای تعیین تکلیف قطعنامه‌ها ایران را در وضعیتی قرار می‌داد که هر شش ماه یکبار مادامی که کشورهای غربی تمایل داشتند، ادامه پیدا می‌کرد. قطعاً قرار گرفتن پیشنهاد آقای لاوروف منجر به توافق بدتری می‌شد. در مکانیسمی که نهایتاً پذیرفته شد، لاف‌ل این قطعنامه‌ها یکبار و برای مدت ۱۰ سال لغو شدند. اگر میان گزینه پیشنهادی لاوروف و شکل نهایی توافق، یعنی گزینه اسنپ‌بک مقایسه کنیم، می‌بینیم که مذاکره‌کنندگان ایرانی دست‌کم گزینه بد را به گزینه بدتر ترجیح داده‌اند. درست است که این مکانیسم اخیراً مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌است، اما واقعیت این است که ماهیت این سازوکار به شکلی بود که طرف شاکی باید به وضوح ثابت می‌کرد که ایران ناقض فاحش برجام بوده‌است. در شرایط فعلی درست نیست که نیت‌خوانی کنیم که سرگئی لاوروف واقعاً چرا به چنین اقدامی دست زده‌است و چه هدفی را دنبال می‌کند. چنین روایت‌های یک‌طرفه‌ای را در مورد

برجام پیچیدگی‌های خاص خود را دارد که این پیچیدگی‌ها در زمانی که لازم بود توضیح داده شود، توضیح داده نشد. باز نشدن این پیچیدگی‌ها در زمان مقتضی باعث شده‌است تا افکار عمومی در ایران تحت تأثیر اظهارنظرهای سرگئی لاوروف و وندی شرمن و طرف‌های خارجی قرار بگیرند. آمریکایی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و روس‌ها و هر یک به فراخور منافع خود در موقعیت‌های مختلف در مورد محتوای برجام اظهارنظرهایی را مطرح کرده‌اند. اظهارات محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در مورد کارشکنی‌های روسیه در مذاکرات برجام و پس از آن، نخستین بار نیست که بیان می‌شود و صرفاً مربوط به شرایط فعلی نیست. کتاب پایاب شکیبایی، که بازگویی خاطرات ظریف از ۸ سال وزارت امور خارجه است، سال ۱۴۰۲ توسط انتشارات اطلاعات منتشر شد. دفتر ششم این کتاب با عنوان «ایران و قدرت‌های بزرگ» یک زیر فصل مفصل در مورد روسیه با عنوان «پیوند با روسیه» دارد. ظریف در این فصل کتاب به تفصیل در مورد روابط ایران و روسیه نوشته‌است و به وضوح توضیح داده‌است که چرا فکر می‌کند ایران با این قدرت بزرگ در همسایگی خود باید روابط حسنه‌ای داشته باشد. بعد از این بخش ظریف به آسیب‌شناسی روابط تهران و مسکو و اشکالاتی که در این روابط وجود داشت و اقدام‌هایی که روسیه علیه ایران کرده‌است، می‌پردازد. چندین مورد از کم‌لطفی‌های روسیه در این بخش کتاب ظریف مورد بررسی قرار گرفته‌است که سومین مورد آن دقیقاً همین مسئله پیشنهاد روسیه در مورد حل و فصل مسئله قطعنامه‌ها و اسنپ‌بک است. طرحی که روس‌ها برای تعیین



حسن بهشتی‌پور
تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل